

درباره‌ی همه‌پرسی استقلال اسکاتلند: رأی «نه» به استقلال، اما عدم اعتماد به اتحاد!

ترجمه: لاله پاشا

نخبگان [حکومتی] بریتانیا تمام تلاش خود را به کار بستند تا از پیروزی «آری» [به استقلال] جلوگیری کنند، اما شکنندگی رأی «نه» بر بحران‌های پادشاهی انگلستان خواهد افزود.

* * *

چنان نزدیک و دست‌یافتنی، اما هنوز اندکی دور از دست! باوجود تمام انرژی، خلاقیت و هیجان این مباحثه‌ی عظیم که [سراسر] اسکاتلند را فراگرفت، رأی «آری» به دست نیامد.

در هر حال انتظار پیروزی برای کارزار حامی استقلال در این فراندوم مانند انتظار معجزه بود. ساکنین وست‌مینستر^۱ [مکان مجلس‌های دوگانه‌ی بریتانیا] تا یک شب قبل از فراندوم معتقد بودند رأی «نه» حتمی‌ست. نخبگان بریتانیا از این شمار عظیم - بیش از یک میلیون - کسانی که آماده بودند تا به جدایی از پادشاهی بریتانیا رأی بدهند، شادمان نخواهند بود.

این نخبگان برای متوقف ساختن رأی «آری» از هیچ اقدامی فروگذار نکردند - از جمله به صحنه آوردن تعداد کثیری از روسای شرکت‌های بزرگ که تهدید به عدم سرمایه‌گذاری [در صورت استقلال اسکاتلند] می‌کردند؛ تا جایی که یکی از سخن‌گویان «دویچه بانک» خطر بزرگترین رکود اقتصادی بعد از دهه‌ی ۱۹۳۰ را مطرح کرد. جانبداری رسانه‌ای چنان زننده بود که دشوار بتوان پنهانش کرد. عامل ترس بهترین سلاح نخبگان بریتانیایی بود و الحق که خوب از آن بهره بردند.

[با این حال از آنجا که] عامل ترس به قدر کافی رضایت‌بخش نبود، آن‌ها به متحدی وفادار روی آوردند؛ رهبر حزب کارگر و به ویژه رهبر سابق آن، گوردون براون. براون ابتدا حزب رقیب «با هم، بهتر» را از دور خارج کرد و با روکردن کارت «کارگر» و استفاده‌ی بی‌شرمانه از کلماتی چون «همبستگی^۲» برگرفته از فرهنگ لغات حزب، تحت لوای حزب کارگر جدید به کارزار ادامه داد. دوم این که براون اعلام کرد هر سه بخش وست‌مینستر با برنامه‌ی او مبنی بر سرعت بخشیدن به قدرت‌گیری پارلمان اسکاتلند موافقت کرده‌اند. با اینکه این خبر احتمالاً برای دیوید کامرون تازگی داشت، با درک این مسأله که چنین موضعی می‌تواند مانع از استقلال اسکاتلند شود، به سرعت آن را تصدیق کرد.

این موضع مشکلات فراوانی را برای کامرون ایجاد خواهد کرد. چنان‌چه دیروز قبل از بسته شدن صندوق‌ها در اسکاتلند وریز راه‌آهن، کلیر پری، در همراهی با تعداد روبه‌رشد محافظه‌کاران پارلمان

1. Westminster

2. Solidarity

اسکاتلند، از قول‌هایی که به رای‌دهندگان اسکاتلندی داده شده است انتقاد کرد. آن‌ها [محافظه‌کاران] خواهان حذف «فرمول برنت^۳» هستند که بر اساس آن اسکاتلند بخشی از بودجه‌ی پادشاهی انگلستان را دریافت می‌کند. این در حالی‌ست که کامرون به میلیباند [رهبر حزب کارگر بریتانیا] پیوسته و خود را متعهد به اجرای «فرمول برنت» دانسته است.

بعد از تغییر موضع *داگلاس کارسول*، عضو سابق حزب محافظه‌کار پارلمان، و پیوستن او به *نیگل فاراگ* [رهبر حزب استقلال پادشاهی بریتانیا]، دیوید کامرون با لین خطر روبروست که انتخابات جانبی مجلس عوام در حوزه‌ی انتخابی *کلاکتون*^۴ (در تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۴) را به حزب استقلال پادشاهی بریتانیا^۵ بیازد.

مهم‌تر از آن، همان‌طور که به طور گسترده گزارش شده است، کامرون در انتظار اتمام جریان رفراندوم بود تا دستور حمله‌ی هوایی به عراق را صادر کند. اعضای *کارزار استقلال اسکاتلند* بلید خواستار رأی‌گیری درباره‌ی این موضوع در پارلمان اسکاتلند شوند، و حزب *ملی اسکاتلند*^۶ [اکثریت پارلمان اسکاتلند و برپاکننده‌ی رفراندوم استقلال] که با تهاجم به عراق در سال ۲۰۰۳ مخالفت کرده بود، باید به فعالیت نظامی جدید در عراق رأی منفی دهد.

نابسندگی و شکنندگی این رأی «نه»، به بحران‌های عمیق در قلب پادشاهی بریتانیا دامن خواهد زد. اقتصاد بریتانیا به دلایل تاریخی بسیار جهانی‌ست و از همین رو در معرض تمامی درگیری‌های بازار جهانی‌ست. علاوه‌براین، اتکای تاریخی بریتانیا بر اقتصاد مالی، همچنین سرمایه‌گذاری و تولید محدود، بیانگر یک قرن رکود اقتصادی است که هیچ دولتی، از جمله دولت تاجر، نه تنها موفق به دگرگونی آن نشد، بلکه حتی نتوانست این رکود را متوقف سازد.

با از دست دادن یک امپراطوری، نخبگان بریتانیا نمی‌توانند نسبت به حضور مطمئن اسکاتلند در [قلمرو] پادشاهی متحد آسوده‌خاطر باشند. مختصات تاریخی کارزار «نه» نشان می‌دهد که زمان به نفع آن‌ها نخواهد بود. همچنین، یک نظرسنجی در این هفته نشان داد که در صورت برگزاری رفراندوم بر سر عضویت انگلستان در اتحادیه‌ی اروپا، به غیر از اسکاتلند و لندن باقی انگلستان به جدایی رأی خواهند داد. چنین نتیجه‌ای حکم آتش در لانه‌ی زنبور را خواهد داشت.

به خود اسکاتلند اگر نگاه کنیم، رأی «آری» به اندازه‌ای برجسته بود که مسئله‌ی تمایل به سمت استقلال اسکاتلند در آینده را آشکار کند. برای حزب کارگر اسکاتلند روشن است که آرای «آری» به شدت بر مناطق کارگرنشین در گلاسگو، کلایدساید و داندی که روزگاری مناطق حیاتی و سنتی حزب

3. فرمول برنت (Barnett Formula) سازوکاری است که از سوی وزارت خزانه‌داری بریتانیا (the Treasury) برای تعدیل میزان بودجه‌ی عمومی تخصیص‌یافته به ایرلند شمالی، اسکاتلند و ولز به کار گرفته می‌شود. این راهکار در اواخر دهه‌ی هفتاد میلادی از سوی جوئل برنت در زمان ریاست وی بر خزانه‌داری بریتانیا به عنوان راهکاری موقتی مطرح شد. با این حال این سازوکار از آن زمان تاکنون توسط دولت‌های متوالی بریتانیا اجرا شده است و دولت بریتانیا همچنان بر ضرورت تقویم این راهکار پافشاری می‌کند. [برگرفته و ترجمه از [مدخل مربوطه در ویکی‌پدیا](#)]

4. Clacton by-election

5. UKIP: [United Kingdom Independence Party](#)

6. [Scottish National Party](#)

کارگر بودند استوار بوده است (حزب ملی اسکاتلند نتوانست پایگاه‌های خود مانند آنگوس را که شامل روستاها و شهرهای کوچک است حفظ کند). این رأی‌دهندگان سنتی حزب کارگر [کارگرانی که به استقلال «آری» گفتند] به شدت از سوی رهبری حزب کارگر تقبیح شدند و محتمل نیست که اینان در آینده‌ی نزدیک به کارزار حزب کارگر بازگردند.

سؤال حیاتی این است که خیل عظیم افرادی که در کارزار استقلال بسیج شدند چه خواهند شد؛ به ویژه آنانی که به بخش رادیکال این کارزار [یعنی کارزار استقلال رادیکال^۲] تعلق داشتند و یا گروه‌های دیگری که [طی این کارزار] برای یک اسکاتلند متفاوت و رادیکال مبارزه کردند.

برای آنان البته امروز صبح، خماری تلخی بوده است. اما به محض اینکه بهبود یافتیم کارهایی ست که باید انجام دهیم. چیزی به نام «تیم اسکاتلند» وجود ندارد [بعد از اعلام آرا، رهبران کمپین «آری» از مردم خواستند که آری یا نه را فراموش کنند و مانند یک تیم اسکاتلند در کنار هم قرار بگیرند. / م.]. اینجا کشوری ست که بر اساس مرزهای طبقاتی تفکیک شده است. این مهم است که بر سر جنگ‌های جدیدی، نظیر ریاضت اقتصادی و خیلی مسائل دیگر دعوا خواهد بود؛ اما برای من سؤال اصلی این است که آن گروه از طبقه‌ی کارگر که به استقلال «آری» گفتند، حالا به کدام سمت می‌روند. برای اولین بار بعد از یک نسل آن‌ها صدای‌شان را در یک کارزار مدافع استقلال یافتند. سرهم‌بندی قانون اساسی [که حزب کارگر پس از پیوستن به کمپین «نه» وعده داده بود] نمی‌تواند آن‌ها را راضی کند.

حزب استقلال اسکاتلند تلاش خواهد کرد تا حمایت آن‌ها را حفظ کند، اما این حزب در حفظ پایگاه‌های اصلی خود در آنگوس، پرت و کینروس برای کسب رأی «آری» موفق نبوده است. همچنین، اعلام موضع این حزب در کارزار استقلال مبنی بر این که «آری بگوئید و هیچ چیز تغییر نخواهد کرد؛ ما ملکه، پوند و ناتو را حفظ می‌کنیم»، چندان برانگیزاننده نبوده است. توجه به این نکته ضروری ست که پیام‌های رادیکال‌تر کارزار استقلال رادیکال از میان کمپین‌های خواهان استقلال توانست مردم طبقه‌ی کارگر را بسیج کند. حزب ملی اسکاتلند [مسلمان] در به کار بردن ادبیات سوسیال دموکراسی قادر است گوی سبقت را از حزب کارگر برآید، اما آن‌ها نیز الگوی نئولیبرال را می‌پذیرند.

آنچه گفته شد، این مسأله را پیش روی ما قرار می‌دهد که با متشکل شدن طبقه‌ی کارگر اسکاتلند، و نسل جدید فعالین جوان در کارزار استقلال رادیکال و سایرین، این نیروها باید اطمینان یابند که خانه‌ی جدید و این شکل جدید از هویت‌شان را از دست نخواهند داد.

چپ رادیکال اسکاتلند توانست در کارزار استقلال رادیکال خود را منسجم کند. چپ رادیکال اما باید انسجام خود را همچنان حفظ کند چرا که با هم بهتر است. [طعن به یکی از کمپین‌های مخالف استقلال با شعار «با هم بهتر!»^۸ / م.]

7. RIC: Radical Independence Campaign:

این حزب که در سال ۲۰۱۲ تاسیس شد، توانست سوسیالیست‌ها، سبزها (طرفداران سیاست‌های محیط‌زیستی)، جمهوری خواهان مخالف سلطنت، مخالفان تأسیسات هسته‌ای و سندیکالیست‌های اسکاتلند را برای استقلال اسکاتلند گرد هم بیاورد.

8. Better Together Campaign

این کمپین در سال ۲۰۱۲ با پشتیبانی سه حزب مهم اسکاتلندی یعنی حزب کارگر اسکاتلند، حزب محافظه کار و سوسیالیست‌لیبرال تاسیس شد.

* * *

منبع: متن فوق ترجمه‌ای است از مقاله‌ی زیر در نشریه‌ی [CounterFire](#) :

[No to independence, but no confidence in the Union](#)

By Chris Bambery, 19 Sep. 2014